

فرهنگیختگان

فرهنگیختگان

در زمان جنگ دفاع از حقیقت تنها در سنگرها تعریف نمی‌شود، بلکه واژگانی که در زمانه جنگ بازتولید می‌شوند نیز بیانگر نوعی دیگر از جنگ و دفاعند. روایت و حتی روایت‌سازی در جنگ‌ها ذیل ادبیات تولید شده در جنگ تعریف می‌شود و نوع بیان و ادبیات هر یک از طرفین در جنگ می‌تواند حتی در پیروزی و شکست آن طرف تأثیرگذار باشد؛ چراکه در نهایت جنگ تمام می‌شود اما آنچه باقی می‌ماند واژگان و روایت‌ها از جنگ‌هاست و همین واژگان فاتحان جنگ‌ها و سرنوشت جنگ را تعیین می‌کنند. در اولین پیام تصویری رهبر انقلاب از کلید واژگانی مانند جنگ تحمیلی، صلح تحمیلی و اقدام پیش‌دستانه استفاده شد و همین کلیدواژه‌ها در نهایت، تأثیر خود را در میدان واقعیت گذاشتند و در آخر نیز در حافظه تاریخی ملت ماندگار خواهند شد. گفت‌وگوی زیر با تینا امین، مدرس دانشگاه و زبان‌شناس درباره ادبیات‌سازی و مفهوم‌سازی در جنگ تحمیلی پیش‌روست.

«جنگ تنها در میدان نبرد اتفاق نمی‌افتد

تینا امین در این باره گفت: «در نگاه من به عنوان زبان‌شناس، جنگ همواره فراتر از میدان نبرد است؛ چراکه جنگ، در وهله اول، در زبان شکل می‌گیرد و آن‌جاست که میدان، عرصه خود را تعیین می‌کند. فهم وضعیت گفتمانی جنگی، به ما کمک می‌کند تا سیستمات‌گذاری بهتری در امر رسانه داشته باشیم و از طریق آن، بتوانیم نبرد قوی‌تری را حتی در میدان جنگ واقعی رقم بزنیم. در عصری که از آن با عنوان «پسا حقیقت» یاد می‌شود، جنگ تنها در میدان‌های نظامی رخ نمی‌دهد، بلکه در ذهن و زبان ملت‌ها آغاز و پایان می‌پذیرد.» وی ادامه داد: «آنچه جمهوری اسلامی ایران امروز با آن مواجه است، صرفاً یک اقدام نظامی یا تجاوز فیزیکی از سوی رژیم صهیونیستی نیست، بلکه بخشی از یک پروژه کلان جنگ ترکیبی است که ابعاد رسانه‌ای، گفتمانی و روان‌شناختی دارد. این ابعاد نه تنها مکمل، بلکه در مواردی مؤثرتر از بعد سخت‌افزاری نیز عمل می‌کنند. وقتی ما بعد سخت‌افزاری جنگ را در موشک‌ها اصابت کرده‌اند و نیروها یا منابع انسانی که از دست رفته‌اند مشاهده می‌کنیم، تنها بخشی از جنگ را می‌بینیم. در کنار آن، یک بعد نرم‌افزاری از منظر گفتمانی و روان‌شناختی وجود دارد که در طول زمان استمرار می‌یابد و آثار آن در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت قابل مشاهده است.»

«رسانه‌ها کنشگران اصلی جنگی هستند و زبان فراتر از ابزار بلکه جبهه آنهاست

امین معتقد است در چنین شرایطی، رسانه‌ها نه‌تنها راوی، بلکه کنشگر اصلی هستند و زبان، نه‌تنها ابزار گزارش، بلکه جبهه‌ای برای جنگ محسوب می‌شود. برای فهم این وضعیت جنگ ترکیبی و تهاجم نظامی که در آن قرار داریم، در وهله نخست باید بازیگران رسانه‌ای این عرصه را از یکدیگر تفکیک کنیم و کنشگری رسانه‌ای آن‌ها را به‌درستی تحلیل کنیم. باید ببینیم در این موقعیت اجتماعی جنگی، چه بازیگرانی نقش ایفا می‌کنند و این بازیگران از چه مدل‌های زبانی و گفتمانی استفاده می‌کنند. وقتی این مدل‌ها تحلیل شوند، دستیابی به راهکار مدنظر آسان‌تر خواهد بود.

«رژیم صهیونیستی در ۲ بیانیه اول خود خشونت و تجاوز را مشروع‌سازی می‌کند

وی عنوان کرد: «با این مقدمه، در ادامه بازیگران را به‌صورت چند سطحی و لایه‌مند از یکدیگر تفکیک می‌کنیم و سپس راهکارهای مدنظر را ارائه می‌دهیم. بخش نخست تحلیل رسانه‌ای این گفتمان، مربوط به رسانه‌های «خوب» بین‌المللی در عرصه غربی است. منظور رسانه‌هایی است که ذیل هژمونی غربی نقش ایفا می‌کنند؛ از خود رسانه‌های اسرائیلی، رسانه‌های آمریکایی و اروپایی، تا هر آنچه خارج از چهارچوب ایران کنشگری می‌کند؛ چهارچوب مسلطی که این رسانه‌ها در آن سخن می‌گویند و در گفتمان‌شان صورت‌بندی می‌شود. شامل امن بودن اسرائیل، کنشگری پیش‌دستانه اسرائیل و قرار دادن ایران در موضع تهدید است. در این چهارچوب، ایران به‌عنوان تهدید معرفی می‌شود و از اصطلاحاتی مانند «پیش‌دستانه»، «دفاع از خود» یا «بازدارندگی» استفاده می‌شود.» این مدرس دانشگاه افزود: «در نخستین بیانیه‌ای که در تاریخ ۲۳ خرداد از سوی رژیم صهیونیستی منتشر شد، دقیقاً تک‌تک این واژگان به‌کار رفته بودند. استراتژی اصلی این مدل از رتوریک زبانی، نشان دادن مشروع‌سازی تجاوز از طریق زبان، و اخلاقی‌سازی خشونت و مداخله است، یعنی دو امر خشونت و تجاوز و مداخله با زبان اخلاقی مشروع‌سازی می‌شوند.»

«کلمه «پیش‌دستانه» چطور قرار شد ایران را تبدیل به هدف مشروع برای رژیم صهیونیستی کند؟ امین بر این باور است که در رویکرد زبان‌شناسی شناسختی، زبان بستری

تینا امین، زبان‌شناس در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

«سامانه دفاع زبانی و گفتمانی» نیاز امروز ما در جنگ رسانه‌ای است

برای چهارچوب‌سازی واقعیت محسوب می‌شود. «وقتی از واژگانی مانند «پیش‌دستانه» استفاده می‌شود، این واژه‌ها دارای چهارچوب‌های ضمنی هستند که بدون نیاز به ارائه شواهد یا منطق، ذهن مخاطب را به سمت فهم خاصی از واقعیت سوق می‌دهند. به‌عبارت دیگر، این واژگان مفروض می‌گیرند که تهدیدی از سوی ایران وجود دارد و کنش نظامی انجام‌شده، پاسخی معقول، مستولانه و ناگزیر از سوی عامل صهیونیستی است. این چهارچوب ناخودآگاه، بدون ارائه هیچ گزینه پیش‌فرضی، در ذهن مخاطب ایرانی و جهانی ایجاد می‌شود. این همان رسالت چهارچوب‌سازی زبانی است: حفظ یک تصویر و سپس قالب کردن مجموعه‌ای از منطقی‌های نامدین و ساخته‌شده. در اینجا، زبان به یاری استراتژی سسناسختی آمده تا نه‌تنها خشونت و مداخله را توجیه‌پذیر سازد، بلکه آن‌ها را ضروری و عقلانی نیز جلوه دهد؛ به‌گونه‌ای که ایران به‌مثابه یک عامل تهدیدآمیز مشروع و تلقی شود؛ خشونت علیه آن یا مداخله در امور داخلی‌اش، امری موجه و حتی الزامی به نظر برسد. –ایسن مداخله در امور داخلی، همان است که از طریق چهارچوب‌بندی اخلاقی صورت می‌گیرد و هدف نهایی آن مشروع‌سازی خشونت است.»

«باید به مفهوم‌سازی‌ها علیه ایران آگاه بود و واکنش زبانی داشت

او عنوان کرد: «مفاهیمی مثل «امنیت اسرائیل»، «تهدید بودن برنامه هسته‌ای ایران»، «ضرورت اقدام پیش‌دستانه»؛ همه این‌ها، به نحوی مدل دخالت را موجه و توجیه‌پذیر می‌کنند. و البته همه این‌ها را با یک فرامتن دیگری ترکیب می‌کنند که آن فرامحصول‌شان، «سیستم دیستراکشن» یا به‌عنوان مثال، «فروپاشی» یا «رژیم پنج» است؛ که در فرامتن، هدف نهایی همه این اقدامات قرار گرفته است، یعنی با مفروض نگه‌داشتن تهدید بودن انرژی هسته‌ای ایران و با مفروض نگه‌داشتن اصطلاح موج نارضایتی اجتماعی این تجاوز و این مداخله مشروع می‌کنند. این کاری است که از نظر نظام زبانی و مفهوم‌سازی زبانی، در عرصه بین‌الملل علیه ایران دارد صورت می‌گیرد. واقعیت این است که باید نسبت به این قضیه آگاه باشیم؛ هم مردم ایران و همه به‌اصطلاح دولتمرد‌ها و با این را بتوانیم با آگاهی نسبت به همین قضیه، به آن واکنش زبانی داشته باشیم.»

«ما در نسبت با رژیم صهیونیستی از یک فهم پیشینی برخورداریم

این مدرس دانشگاه ادامه داد: «نکته مهم این است که این رسانه‌ها، واقعیت‌های میدانی را نادیده می‌گیرند. گزارش‌های بی‌طرفانه یا حتی سگ‌رنه‌اژ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در باره برنامه هسته‌ای ایران، در این چهارچوب گفتمانی نادیده انگاشته نمی‌شود. همچنین تهدید دائمی رژیم صهیونیستی علیه همه کشورهای منطقه، تجاوزهای مستمر به فلسطین و ذات اشغال‌گزاره و جنگ‌طلبانه در در تحلیل هایشان حذف می‌شود. در عوض، همه این واقعیت‌ها در جهت توجیه جنگ‌افروزی و هژمونی اسرائیل بازتولید می‌شود؛ اما ما با فهم پیشینی که نسبت به تجاوزگری اسرائیل داریم، چرا می‌گوییم فهم پیشینی؟ منظورم هشدارها و اشاراتی است که امام داده‌اند. نقل‌قول‌های بسیار زیادی از ایشان در صفحه امام موجود است که بارها این قضیه را هشدار داده‌اند و گفته‌اند، نقل‌قولی از امام در سال ۵۲ وجود دارد که گفتند قریب به ۲۰ سال است که دارم این هشدار را به همه مملکت‌ها می‌دهم راجع به به‌اصطلاح اقدام‌های تجاوزگرانه و جنگ‌افروزی اسرائیل، که اسرائیل تا کجا می‌خواهد پیش برود. این فهم و دانش پیشین نسبت به این قضیه، کمک می‌کند فهم فعلی از تجاوزگری و به‌اصطلاح توجیه‌گری خشونت اسرائیل را بهتر درک کنیم. این اوله اول زبانی و گفتمانی است که با آن مواجه هستیم.»

«رسانه‌های ضدایرانی شهادت مردم عادی را در راستای رسیدن به آزادی، عادی جلوه می‌دهند

امین افزود: «در لایه دوم زبانی و گفتمانی، که امر رسانه با آن مواجهیم، رسانه‌های اپوزیسیون فارسی‌زبان هستند؛ رسانه‌هایی مثل بی‌بی‌سی فارسی، منتوتو، ایران‌اینترنشنال و صدای آمریکا که حالا دوباره برگشته‌اند. چهارچوب گفتمانی‌ای که آن‌ها از نظر زبانی در رسانه خودشان ترویج می‌دهند، جنگ علیه رژیم حاکم ایران است، نه علیه ملت ایران، یعنی اگر توسط رسانه‌های غربی و اسرائیلی در لایه قبلی خشونت و مداخله صورت می‌گرفت. در این تمام شده‌و تخریم‌های بی‌رحمانه تحمل را از مردم گرفته است. خیال می‌کردند هم، حتی به‌صورت خیلی زیرپوستی می‌گویند بالاخره، در این خشونت علیه نظام‌ما، اگر مردمی هم از مردم عادی در معرض تجاوز قرار بگیرند، در راه آزادی ریختن خون‌ها توجیه‌پذیر است. از همین رو از ابزار رتوریک استفاده می‌کنند، دوقطبی‌سازی ملت و حاکمیت، وعادی‌سازی حمله به‌نهادهای حاکمیتی،

نظامی و المان‌ها و به‌اصطلاح نمادهای جمهوری اسلامی و در این وضعیت هم، عادی‌سازی از دست رفتن بخشی از مردم عادی، در راه آزادی و در راه روپاشی نظام است، یعنی اگر می‌خواهیم یک نظام فرو پاشیده شود، قاعداً یک‌سری هزینه‌هایی مثل جان و مال مردم معمولی هم در این میان باید پرداخت شود. کاری که لایه زبانی رسانه اپوزیسیون انجام می‌دهد همین حرکت است. لایه دوم گفتمان رسانه‌ای اپوزیسیون با لایه نخست تفاوت دارد، اما در راستای همان هدف فعالیت می‌کند. در اینجا «دگرسازی» جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شود، یعنی جمهوری اسلامی به‌عنوان «دیگری تهدیدآمیز» بازنمایی می‌شود و بر اقدام تضعیف‌کننده‌ای علیه آن، از جمله زیر سؤال بردن مشروعیت، مشروع و لازم جلوه می‌کند.»

این مدرس دانشگاه معتقد است این رسانه‌ها ضنع ساختارهای حاکمیت، انزوا ی بین‌المللی، صف‌های طولانی کالا، احتکار، گرانی و نارضایتی اجتماعی را پررنگ می‌کنند. بسیاری از این بازنمایی‌ها یا ساختگی‌اند یا بی‌مغاله‌شده، اما در زبان رسانه‌ای‌شان به‌گونه‌ای ارائه می‌شوند که انسجام ملی را تضعیف می‌کنند. در واقع این رسانه‌ها نه‌تنها بر طبل نارضایتی می‌کوبند، بلکه صدای نارضایتی را «آگو» می‌کنند و آن را به‌مثابه گواهی بر فروپاشی حاکمیت بازنمایی می‌کنند. در این سطح، رسانه‌های اپوزیسیون از طریق زبان، فروپاشی روانی ملت را هدف قرار می‌دهند. این نوع از زبان، زبان القای بی‌ثباتی، عادی‌سازی خشونت و مشروعیت‌بخشی به دخالت است؛ زبانی که در خدمت فروریختن نظام از درون و از طریق ذهن و زبان مردم طراحی شده است.

«زبان رسانه‌ای ما در این جنگ نباید دچار افتراق و واگرایی شود

امین ادامه داد: «در لایه سوم، با زبان رسانه‌ای مواجه می‌شویم که در رسانه‌های داخلی خودمان در حال شکل‌گیری است. در این جأ، قطعاً ما باید با یک اقتدار مفهومی در حوزه مقاومت و با تمرکز بر دسترسی به مخاطبان داخلی و منطقه‌ای، این کار را انجام دهیم. شاید بتوان گفت یکی از چالش‌هایی که با آن مواجهیم، «آخر» در روایت‌سازی»، «فقدان انسجام زبانی و رتوریک» و «غیبت زبان نوین» در این جنگ ترکیبی رسانه‌ای است، یعنی ما نیازمند یک ادبیات رسانه‌ای اقتدارمحور، همدلانه، چندلایه و منطقد در این مسئله هستیم؛ ادبیاتی که باعث جلوگیری از افتراق پیامی گردد، در شرایطی که از ۲۳ و ۲۴ خرداد گذشته و به امروز رسیدیم می‌بینیم که هر مدل پیامی که در فضای مجازی – تا میزانی که در دسترس داریم – و در میان مردم و تولیدات رسانه‌ای موجود ارانه شده، به نوعی دچار افتراق پیامی و زبانی شده‌اند.»

این مدرس دانشگاه و زبان‌شناس افزود: «این افتراق به معنای تقابل یا ضدیت با یکدیگر نیست، بلکه منظور این است که شاید هدف همگی یکی باشد، اما مسیر‌ها و زبان‌ها همدلانه و همسو نیستند، بلکه هر فرد، هر گروه، هر بعد یا هر «گروه» رسانه‌ای، بر اساس عرق خود، توانایی خود، اقتضای موجود، ابزارهای در اختیار و نیروی انسانی خود، تلاش کرده پیامی برای هم‌دلی و اقتدار تولید کند. اما این پیام‌ها در یک مسیر واحد قرار نمی‌گیرند و از منظر زبان، در یک بستر همگرا قرار ندارند. این را نمی‌توان الزماً بد تلقی کرد؛ چراکه ما مواجهه نسبتباً غافلگیرکننده‌ای با این مسئله داشته‌ایم و اتفاقاً اکنون خوب است که همه از ابزارهای خود برای تولید پیام استفاده می‌کنند. اما وقتی تجمع این پیام‌ها منجر به روایت‌گری مقتدر نشود، بخشی از هزینه، منابع انسانی و انرژی‌ای که برای این جریان صرف می‌شود، از بین می‌رود. چرا؟ چون همه این انواع تولیداتی که در حال شکل‌گیری هستند، ممکن است در خدمت یک روایت‌گری مقتدر که بتواند موقعیت ایران را در این جنگ ترکیبی بازتاب دهد، قرار نگیرند و دچار واگرایی شوند.»

«همان‌طور که سامانه دفاع موشکی داریم باید «سامانه» دفاع زبانی و گفتمانی» نیز داشته باشیم

امین گفت: «منظور از این یکپارچه‌سازی چیست؟ به معنای دقیق کلمه، ما به بازاری‌قرنی زبان رسانه‌ای در وضعیت اضطراب ملّی نیاز داریم، یعنی وقتی در شرایطی همچون امروز قرار می‌گیریم که وضعیت، یک وضعیت اضطرابی ملّی است، باید بتوانیم زبان رسانه‌ای متناسب با این وضعیت را داشته باشیم و از آن استفاده کنیم. در چنین شرایطی، نمی‌توان هر گروهی را به حال خود گذاشت تا به‌صورت خودجوش، مدل خود را از به‌کارگیری پیام، هشگ‌ها یا قالب‌های رسانه‌ای داشته باشد. پس، اولین اقدام، شکل‌گیری یک یکپارچه‌سازی در این حوزه است. این یکپارچه‌سازی زبان رسانه‌ای در وضعیت اضطراب ملّی، از منظر من زبان‌شناس، از طریق شکل‌گیری «سامانه دفاع گفتمانی» تعریف می‌شود. البته منظورم از سامانه دفاع گفتمانی

این نیست که حتماً یک ساختار تشکیلاتی زاید و رسمی تأسیس کنیم که صرفاً موزی‌سازی یا بسیاری از اقدامات فرهنگی و زبانی دیگر باشد، بلکه دقیقاً منظور این است همان‌طور که ما سامانه دفاع موشکی داریم، باید برای سامانه دفاع زبانی نیز تدبیری داشته باشیم و این، اتفاقاً به همبستگی و یکدست‌سازی نیروها کمک می‌کند.» وی ادامه داد: «به‌عنوان مثال، وقتی اکنون یک مصاحبه‌کننده از مردم می‌پرسد آیا شما اینجا نظامی بودید یا مردم عادی؟ و در پاسخ می‌شنود ما مردم عادی بودیم، تکرار این مدل نمی‌تواند برای ما یک سامانه دفاعی واقعی در برابر حمله سخت‌افزاری دشمن – که یک محل غیرنظامی را هدف قرار داده- ایجاد کند، یعنی تکرار زبانی در عرصه میدانی واقعی، با مقابله‌ای که باید با آن حمله صورت گیرد یا شفافیتی که باید در زمینه نحوه هدف قرار گرفتن یک منطقه غیرنظامی ایجاد شود، برابری نمی‌کند؛ در یک ترازو قرار نمی‌گیرند، چرا؟ چون این مصاحبه‌های ما، واقعاً مصاحبه‌های مردمی نیستند، یعنی از دل ادبیات مردم ساخته نشده‌اند، بلکه از ادبیاتی نشأت می‌گیرند که کدهای آن را زبان‌شناسان رسانه‌ای، خبرنگاران و دانشگاهیان به‌شکلی یکسان کرده‌اند. این زبان از دل تجربه زیسته مردم بیرون نیامده است.»

«دفاع زبانی ما باید هم‌تراز دفاع موشکی مان باشد

این مدرس دانشگاه افزود: «بالاخره ما می‌دانیم که واژه‌ها حامل قدرتند. اگر توانیم زبان خاص خود را برای توصیف وقایع، کنش‌ها و موقعیت اضطراب ملّی که در آن قرار داریم تعریف کنیم، ناگزیر در دام رسانه‌های معارض می‌افتیم. آن‌گاه، هر آنچه تولید می‌کنیم، صرفاً واکنشی به محصولات و حملات رسانه‌ای آن‌ها خواهد بود. دقت کنید آن‌ها حمله موشکی انجام می‌دهند، ما هم پاسخ موشکی می‌دهیم اما آن‌ها این پاسخ ما را با زبان خود مورد هجوم قرار می‌دهند. سپس ما در برابر همان زبان، باز می‌مانیم و می‌خواهیم به آن پاسخ بدهیم. اما این پاسخی که ما ارائه می‌دهیم، اثربخشی بسیار کمتری دارد.» وی عنوان کرد: «شاید پاسخ موشکی ما به تل آویو، ویرانی بیشتری برای آن‌ها به‌همراه داشته باشد؛ اما پاسخ زبانی ما، در برابر ویرانی زبانی‌ای که آن‌ها ایجاد کرده‌اند، آنچنان ویرانگر نیست. آن اندازه بازدارندگی ندارد. آن اندازه حمله‌کننده نیست، پس این مدل دفاع ما، در عرصه زبان، تراز نیست. این مسئله از کجا باید اصلاح شود؟ از همان چیزی که من آن را «سامانه دفاع گفتمانی» می‌نامم. ما باید همیشه به‌ویژه در موقعیت اضطراب زبان متناسب با شرایط داشته باشیم؛ زبانی که بتواند طراحی، هماهنگی، انسجام و روایت‌گری گفتمانی را برعهده گیرد. «سامانه دفاع گفتمانی» لزوماً به‌معنای ایجاد یک ساختار تشکیلاتی زائد نیست، موزی‌سازی با سایر اقدامات فرهنگی و زبانی نیست، بلکه دقیقاً منظور این است، همان‌طور که سامانه دفاع موشکی داریم، باید برای دفاع زبانی نیز تدبیری داشته باشیم. این سامانه دفاع گفتمانی است که می‌تواند به همبستگی، هماهنگی و هم‌افزایی میان نیروهای رسانه‌ای و فرهنگی کمک کند.»

«رسانه باید زبانی را برگزیند که با همه لایه‌های اجتماعی ارتباط بگیرد

وی افزود: «وقتی از «چندلایه» بودن سخن می‌گوییم، منظور دقیقاً چیست؟ یعنی باید بتوانیم تکثر مخاطبان مان را ببینیم. ما به‌طور مکرر می‌بینیم این روزها مداحی خاصی از تلویزیون پخش می‌شود تا یک مدل شور جنگی متناسب با این ایام داشته باشیم. اما آیا همه اقشار ملت، همه لایه‌های مردمی ما، می‌توانند با این مدل مداحی‌ها ارتباط برقرار کنند؟ آیا تاکنون با این گونه مداحی‌ها ارتباط داشته‌اند که اکنون نیز بتوانند چنین ارتباطی را حفظ کنند؟ لزوماً خیر. سلیقه موسیقایی مردم یکشبه تغییر نمی‌کند. اما می‌بینیم محسن جوشی آهنگی را خوانده که با لایه بسیار زیادی از مردم می‌تواند ارتباط برقرار کند. کاری که رسانه ما باید انجام دهد، این است که هم‌زمان با مداحی‌هایی مانند «خبر خیر» یا «صهیون»، بتواند آهنگی مانند «علاج» جوشی را نیز از رسانه ملّی پخش کند. اینجاست که می‌توان گفت رسانه ملّی ما «اضطراب ملّی» را درک کرده است، در چنین وضعیتی، رسانه باید زبانی را برگزیند که بسا همه لایه‌های اجتماعی ارتباط بگیرد. علاوه‌بر این، روایت‌هایی که رسانه تولید می‌کند باید در عین پایبندی به اصولی چون مردم‌محور بودن، اخلاق‌محور بودن، و دلسان‌محور بودن، چندلایه، منطقد، و قابل برقراری ارتباط با عموم مردم باشند.» امین گفت: «این مدل از بازاری‌قرنی زبان رسانه‌ای، نکته‌ای کلیدی است. تأکید می‌کنم، منظور من این نیست که کارای بیشتر از آنچه تاکنون انجام شده باید می‌کردیم، بلکه منظور من دیر نیست. اکنون که درگیر این میدان نبرذیم و زبان هم بخشی از استمرار این نبرد است، تشکیل ستاد یا کارگروه هماهنگی زبان رسانه‌ای، نه‌تنها دیر نیست، بلکه می‌تواند آثار مهمی در پی داشته باشد. قطعاً این اقدام باید از منظر «سیاست‌گذاری زبان رسانه‌ای» با جدیت پیگیری شود و من، خود هم پای کارش هستم.»

همبستگی ملّی؛ مهم‌ترین دستاورد جنگ اخیر ایران ورژیم صهیونیستی

تولیت آستان قدس رضوی:

همبستگی ملّی؛ مهم‌ترین دستاورد جنگ اخیر ایران ورژیم صهیونیستی

۲۲روژه اخیر، چهرواقعی وبسته بسیاری از این نهادها برای جهانیان آشکار کرد. «آیت‌الله م‌روی آستان قدس داماد: «سروایی کشورهای اروپایی نیز از دیگر دستاوردهای این جنگ بود. برخی در داخل، همچنان سخن از مذاکره می‌زدند، اما رفتار آمریکا و اروپا و خیانت‌هایی که در بحبوحه مذاکرات مرکب شلشدن، ثابت کرد ادعاهای آنها در باره حقوق بشر، پوششی بیش نیست.» وی تأکید کرد: «شاید نسل جدید از جایت‌ها، دزدی‌ها و تجاوزات رژیم پهلوی و آمریکا پیش از انقلاب آگاهی کامل نداشته باشد، اما این جنگ، ماهیتی واقعی غرب را بر مردم آشکار و دشمنان ملت ایران را رسوا کرد. این از م‌زن الهی، نقاب ترور و تفاق را از چهره دشمنان برداشت.» در ادامه، آیت‌الله م‌روی به ادعای دروغین دوستی رژیم صهیونیستی با مردم ایران اشاره کرد و گفت: «اسرائیل همواره مدعی دوستی با ملت ایران بوده است، اما در همین جنگ، اکثریت شهس‌دای ما، مردم عادی بودند که در خانه‌های خود هدف حملات رژیم صهیونیستی قرار گرفتند. آیا این رفتار نشانه‌ای از دوستی است؟»

«دییلماسی هوشمند و دولت فعال در میدان

تولیت آستان قدس رضوی بر اهمیت دیپلماسی فعال در کنار قدرت نظامی تأکید کرد و افزود: «ناید از نقش دیپلماسی غافل شد. در جریان این رخا‌دها، مواضع برخی کشورهای منطقه نسبت به ایران تغییر یافت و همراهی آنها با ایران بسیار بیشتر و فعال‌تر از گذشته شد.»

«ضرورت روایت صحیح دستاوردها نقش همه جانبه مردم در جنگ روایت‌ها

آیت‌الله م‌روی جنگ و روایت‌ها را مرحله جدیدی از نبرد دانست و تأکید کرد: «اکنون، پس از جنگ سخت، نبرد اصلی در میدان روایت‌ها آغاز شده‌است. هر فردی که قلم، تریبون یا رسانه‌ای در اختیار دارد، وظیفه دارد واقعیت‌ها و دستاوردهای عظیم این نبرد را برای مردم، به‌ویژه نسل جوان، روایت کند تا مبادا در فضای مه‌آلود روایت‌های تحریف‌شده دشمن، دچار قضاوت‌های ناصحیح شوند.» وی هشدار داد: «دشمن تلاش دارد آنچه در میدان نظامی و تحریم‌ها به دست نیآورده، از مسیر جنگ روایت‌ها جبران کند؛ بنابراین، بی‌تفاوتی در این عرصه به معنای واگذاری میدان به دشمن است.» تولیت آستان قدس رضوی در پایان سخن خود، با صراحت اعلام کرد: «دشمن به هیچ‌یک از اهداف حیثانه خود دست نیافت. ملت ایران، با وحدت، ایمان و اراده، از این آزمون سخت، سرافراز و سربلند بیرون آمد.»

تولیت آستان قدس رضوی، مهم‌ترین دستاورد مقاومت ملت ایران در برابر تهاجم رژیم صهیونیستی را شکل‌گیری کس‌سابقه‌ای از همبستگی ملّی میان همه اقشار جامعه دانست و تأکید کرد: «امروز در کنار قدرت نظامی، پیروز واقعی کسی است که بتواند روایت درست را منتقل کند. از این رو، وظیفه دارندگان قلم، تریبون و آحاد ملت، ایفای نقش فعال در میدان روایت‌ها برای حفظ و تقویت این دستاورد ملّی است.» آیت‌الله م‌روی در نشست تحلیلی و تبیینی «فتح قریب» که با حضور زائران، مجاوران و خادمان آستان قدس رضوی در بارگاه مطهر امام ر‌ع‌ز (ع) برگزار شد، به تحلیل ابعاد جنگ اخیر میان ایران ورژیم صهیونیستی پرداخت. وی در آغاز سخنان خود، با گرامیداشت یاد و نام شهدای گران‌قدر، از جمله رف‌ماندهان نظامی، و نیروهای پادفند و شهدای مظلوم مردمی که به دست جنایتکاران صهیونیست به شهادت رسیدند، بر اهمیت حضور موثر در میدان جنگ روایت‌ها تأکید کرد و گفت: «در شرایط کنونی، مهم‌ترین وظیفه ما حضور فعال در این عرصه است و نباید اجازه دهیم دستاوردهای ملّی در سایه امپراتوری تبلیغاتی دشمنان پنهان بماند.» آیت‌الله م‌روی تصریح کرد: «دشمنان تلاش دارند دستاوردهای راهبردی این جنگ را نادیده بگیرند و رژیم صهیونیستی را پیروز میدان معرفی کنند؛ اما حقیقت آن است که دشمن به هیچ‌یک از اهداف شوم خود دست نیافت.» وی با تأکید بر همبستگی که نظیر مردم ایران در شرایط اخیر، افزود: «با وجود تنوع سلاقی دینی، مذهبی، فرهنگی و سیاسی، ملت ایران طی ۴۷ سال گذشته هرگز تا این اندازه یکپارچگی و انسجام از خود نشان نداده بود. در این برهه، همه جریان‌ها با حمایت از نیروهای مسلح، موجب تقویت روحیه و اراده ملّی شدند؛ انسجامی که ارزشمندترین دستاورد این مقطع حساس است.»

«اهداف ناکام دشمن در حمله اخیر

تولیت آستان قدس رضوی با اشاره به اهداف دشمن در حمله اخیر به ایران گفت: «جمهوری اسلامی اگرآزگرا جنگ نبود؛ بلکه دشمن با طراحی چند هدف تجاوزکارانه، اقدام به حمله کرد. اهداف آنها شامل تلاش برای توقف چرخه غنی‌سازی و نابودی صنعت هسته‌ای ایران، دست‌درازی به ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد، ایجاد فروپاشی اجتماعی و تضعیف توان دفاعی و موشکی کشور بود؛ اما در هیچ‌یک از این اهداف موفق نشدند.» آیت‌الله م‌روی با بیان اینکه چهارچوب و شاکله اصلی صنعت هسته‌ای ایران همچنان محفوظ مانده است، افزود: «دشمن

۱۱